ایران
Iran Daily Newspaper
شنبه
۱۷ مرداد ۱۴۰۵
۲۴ صفر ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۳
Saturday
8 August 2026
Vol 9093

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

• یادداشت •

سید رمضان موسوی مقدم
نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران

اگر آنچنان بلیغ و صریح، برگفت و نوشت خاطرات تأکید نمی‌کرد، دست و دلی برای روایت کردن این خاطرات نداشتم. آن فرزانه بی‌همتا، همیشه دفتر و کتاب و قلم را می‌ستود، حدیث گفتن و ذکر جمیل کردن را دوست می‌داشت و بزم‌آرای خاطره‌گویان و خاطره‌نگاران انقلاب بود.

می‌خواهم دل‌ها را به حسینیه امام خمینی(ره) ببرم، به مشهد آقایمان در انتهای خیابان کشوردوست، آنجا که جان‌های تشنه هر صباح، سیراب می‌شدند و آنجا که روی زیلوهایش معرفت موج می‌زد و در هوایش زخم‌های اشتیاق التیام می‌دید.

دانی که چیست دولت، دیدار یار دیدن
در کوی او گدایی بر خسروی گزیدن
از جان طمع بریدن آسان بود ولیکن
از دوستان جانی مشکل توان بریدن

یاد می‌آورم روزی را که مسئولین نظام در حسینیه امام خمینی(ره) گردهم آمده بودند. وزیری از دولت وقت پشت ستون نشست. مسئول دیگری از راه رسید و کنایه‌آمیز از او پرسید: آقای وزیر! چرا پشت ستون پنهان شده‌اید؟! وزیر گفت: «اگر حضرت آقا من را ببینند دوباره از «تهاجم فرهنگی» می‌گویند و من باید خجالت زده شوم!»

راستی چه تحلیل عمیقی از اوضاع شوروی در آستانه فروپاشی داد، یک کلاس درس تمام عیار سیاسی و جهان‌شناسی، دانشگاه تهران بحق پیشنهاد داد تا دکترای افتخاری به او اهدا کند و او چه بزرگوارانه جواب داد «نه، همین عنوان طلبگی برای ما کافی است» یعنی همچنان باید آموخت و مدرک‌گرایی (صرف) اصالت ندارد.

امروز از نعمت دیدن آن رهبری که نگران همیشگی «تهاجم فرهنگی» بود محروم هستیم. حیف از آن مجالس وعظ و خطابه‌های حکیمانه و دریغ از آن دیدارهای جریان‌ساز که به دست پلید صهیونیست‌ها بر سر آزاداندیشان جهان آوار شد. گفتمان استکبارستیزی، خودانکایی، بیگانه ستیزی و ده‌ها واژه جریان‌ساز که امروز دستمایه مقاومت و عزت ماست، در آنجا ساخته و از آنجا پراکنده شد.

آن حسینیه ساده و صمیمی، سنت‌ساز هم بود. سال ۷۷ گروهی از جانبازان، آثار خلاقه خود را برای بازدید حضرت آقا به حسینیه برده بودند. جانبازی عزیز از آقایش خواست که عبای خود را به وی بدهند و آقا بی‌درنگ عبایش را از تن درآورد و تقدیمش کرد. این آغازی بر سیره بخشش دینی شد. بذل هدایای متبرک خصوصاً چفیه که نماد مقاومت و انگشتری که نشانه تدین و تقوی است، سنت رهبری ایران اسلامی شد.

حسینیه از فرط صداقت و اخلاص، محل الهام و روشن‌بینی هم بود. در سادگی در و دیوارش آینده را می‌شد به وضوح دید. یادم می‌آید رسانه‌ها یکی از رؤسای جمهوری اسلامی را به گورباچف تشبیه کرده بودند و این تحلیلش در برخی ذهن‌ها نشسته بود. یکی از مدیران سرشناس رسانه‌ای در پایان یک دیدار رسمی، این تحلیل را به عرض آقا رساند. ایشان بلاوقفه فرمودند: خیر! این رئیس جمهوری، گورباچف نمی‌شود؛ و بعدها دیدیم که نشد.

در آن چهاردیواری، نه فقط مباحث فرهنگی و عقیدتی که مسائل علمی و امروزی هم درست مثل یک دانشگاه فنی مطرح می‌شد، بلکه یادم هست راجع به اقتصاد مقاومتی در جمع کارگزاران صحبت فرمودند. برخی که قلم و کاغذی داشتند، نکات را یادداشت می‌کردند. زمان خروج از محفل، دوستی که سری در سران اقتصاد داشت، به من گفت، هر چه فکر می‌کنم هیچ نکته‌ای به ذهنم نمی‌آید که ایشان در این چند دقیقه به آن اشاره نکرده باشد، انگار یک ترم دانشگاهی را در یک مجلسی تبیین کردند.

من هم امروز و پس از شهادت آن قائد عظیم‌الشأن هرچه در بحر یادمانده‌هایم فرو می‌روم، رنج و حرمانم افزوده می‌شود. باید دوباره نوحه کنم:

دریغا ای دریغا ای دریغا
خدایی سایه‌ای رفت از سر ما

اوایل پیروزی انقلاب بود و من در قم برای اولین بار طنین صدایش را در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم و من که در چند قدمی تریبون نشسته بودم پرسیدم: آیا رفتن به جبهه اولی است یا در قم ماندن و درس خواندن و چه زیبا پاسخ داد که «رفتن به جبهه واجب کفایی است و درس خواندن هم ضروری است، بدانید که درس هم مهم است در آینده «بی مایه فطیر است.»

همانگونه که جرقه‌های انقلابی را شهید نواب در قلب آقایم افروخته بود من هم نوجوانی بودم که از رعد صدای او و در سایه تحلیل‌ها و تفسیرهایش مجذوب انقلاب شدم. او ترجمان و مفسر راستین راه و نگاه معمار کبیر انقلاب بود. حضور مستمرش در جبهه‌ها من را به میدان‌های حماسه برد و پس از جنگ، خدمت به خانواده‌های شهدا و جانبازان را سرلوحه زندگیم کرد.

علاقه‌اش به هنر دینی و آیینی و تأکیدش بر اهمیت رسانه، من را هم در این وادی کشاند و سال‌های مدیدی را در صدا و سیما تلاش کردم نظراتشان را اجرایی کنم. روزی که خدمتشان رسیدم تا مفتخر شوم به نمایندگی ایشان در بنیاد شهید و امور ایثارگران، قریب به مضمون فرمودند: «چند نفر گزینه بودند برای این مسئولیت؛ ولی چون شما از اهالی فرهنگ و هنر هستید شما را برگزیدم. فرهنگ ایثار و شهادت را باید بر بال هنر ترویج کنید.»

مدتی بعد که نماز را بر قامت رشیدشان اقامه کردم، به گاه خداحافظی خدمتشان عرض کردم: آقاجان! ایثارگران خیلی مشتاق زیارت هستند و از ما توقع دارند که به این بیت مکرم دعوتشان کنیم. نوری در چشمانشان دوید و فرمودند: «من بیشتر مشتاق دیدارشان هستم؛ ولی چه کنم که فرصت محدود است. شما به منزلشان مشرف شوید و سلام ویژه من را خدمتشان برسانید و عذرخواهی شود.»

مدتی است به نیابت ایشان و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله آقاسیدمجتبی حسینی خامنه‌ای حفظ‌الله به منازل شهدا وارد می‌شوم. برخی گریان و گله‌مند که نعمت دیدار نصیبشان نشده و برخی خندان و راضی از دریافت حلقه‌ای انگشتری متبرک باقی مانده از متبرکات آن امام شهید.

و اکنون از یک سو در این مصیبت عظما عزاداریم ولی آن سوی دیگر دلخوشیم و امیدوار به خلف صالح و رهبر فرزانه انقلاب که آن سیره و سلوک را تداوم بخشند و در پای رکاب او، خط اصیل اسلام و انقلاب و راه شهیدان را تداوم بخشیم.

آدمی را که طلب هست و توانایی نیست
صبر اگر هست و گر نیست بباید کردن

• گزارش •

فعالیت‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران در دوران پس از جنگ

از مستندسازی خسارت انسانی تا ابلاغ پرداخت حقوق به خانواده شهدا

گروه اجتماعی

بنیاد شهید و امور ایثارگران در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، نقش فعالی در ثبت آمار شهدا، دیدار با خانواده‌های شهدا و پیگیری امور فرهنگی و حمایتی داشته است.

طبق گزارش‌های رسمی تعداد کل شهدا در جنگ ۴۰ روزه ۳ هزار و ۴۶۸ نفر بود که ۴۵ درصد شهدا غیرنظامی بوده‌اند. این آمار نشان می‌دهد بنیاد شهید در مستندسازی خسارت انسانی جنگ، نقش محوری داشته و در این دوره با خانواده‌های شهدا دیدار و گفت‌وگو کرده است. چنین دیدارهایی معمولاً با هدف دلجویی از خانواده‌ها، پیگیری مشکلات معیشتی و درمانی، تقویت روحیه و حمایت معنوی انجام می‌شود. انعکاس چهره ایثار در استان‌ها یکی دیگر از اقدامات کلیدی این بنیاد بوده و تلاش کرده فهرست شهدا را به شکل استانی و تفکیکی ثبت و منتشر کند.

عدالت در خدمات

موضوع عدالت در ارائه خدمات، از ابتدا یکی از سیاست‌های اصلی مدنظر بنیاد شهید بوده و در بخش سلامت، این موضوع بیش از پیش حائز اهمیت است. دکتر سید احمد موسوی، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز در نشست با مدیران معاونت بهداشت و درمان بنیاد، بر اهمیت رعایت عدالت در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به جامعه معزز ایثارگری تأکید کرده و گفته بود: «ما باید برای حوزه سلامت شاخص‌های مشخصی را تعریف کنیم و بر این اساس، میزان تحقق شاخص‌ها را به شکل ماهانه مورد ارزیابی قرار دهیم تا کیفیت حرکت در این مسیر به‌درستی مشخص شود.» معاون رئیس جمهور با اشاره به رویکرد دولت چهاردهم و تأکید ویژه دکتر پزشکیان بر موضوع عدالت، تأکید کرده بود: «این اصل در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت، ضرورت و مورد تأکید جدی رئیس جمهوری است.» رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با توجه به اهمیت آموزش تأکید کرده بود آگاهی‌سازی درخصوص قوانین و ارائه اطلاعات دقیق و به‌موقع به این قشر معزز از اقدامات ضروری است و باید کارکنان همه بخش‌ها نسبت به قوانین آگاهی و اطلاع داشته باشند تا بتوانند پاسخگویی و راهنمایی درستی ارائه کنند. او همچنین بر ضرورت ارائه خدمات نظام‌مند، ضابطه‌مند و با بهره‌گیری از مدیریت سیستماتیک و هوشمند تأکید و گفته بود: «شفافیت در ارائه اطلاعات به ایثارگران و فعال بودن تمامی بخش‌های بنیاد در حوزه پاسخگویی، از اصول اصلی ما در این مسیر است.»

احداث مجتمع فرهنگی برای شهدای میناب

احداث مجتمع فرهنگی مزار شهدای میناب یکی از اقدامات ویژه بنیاد شهید در استان هرمزگان است. یعقوب سلیمانی، معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران، در نشست با خانواده‌های شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، ناو دنا و لامرد اعلام کرد، تفاهم‌نامه احداث این مجتمع فرهنگی تدوین شده و با پیگیری آستان قدس رضوی، مراحل مطالعاتی آن تا آذرماه ادامه خواهد داشت. هدف از اجرای این طرح، ایجاد مجموعه‌ای با رویکرد فرهنگی و نگاه ملی و بین‌المللی برای معرفی حماسه و مظلومیت شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، شهدای ناو دنا، شهدای لامرد و دیگر شهدای مظلوم کشور است.

پیشنهاد روز میناب برای درج در تقویم رسمی

جنایت میناب نباید فراموش شود. سید احمد موسوی معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در جلسه شورای ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت در استان هرمزگان با تأکید بر ضرورت حفظ و تقویت انسجام ملی گفت: «دولت و همه دستگاه‌ها باید با بسیج امکانات و ظرفیت‌های خود در کنار مردم و مسئولان استان هرمزگان باشند؛ چرا که امروز این استان در خط مقدم دفاع از ایران قرار دارد و باید با یک برنامه جامع، کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت از ظرفیت‌های آن برای تقویت فرهنگ ایثار و شهادت استفاده کنیم.» رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با اشاره به جمعیت بیش از پنج میلیون نفری جامعه هدف بنیاد شهید گفت: «ایران یکی از کشورهایی است که جامعه بزرگ ایثارگری دارد و این جامعه در کنار نقش ارزشمند خود در عرصه‌های مختلف، نقش فرهنگی خود را نیز در مسیر ایستادگی و مقاومت ایفا می‌کند.»

او با اشاره به ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی میناب گفت: «ما مدیون میناب هستیم و تاریخ نیز مدیون میناب خواهد بود. این منطقه فرصتی برای معرفی جنایات و رسوایی دشمن در اختیار ما قرار داده و نباید اجازه دهیم این فرصت تاریخی از دست برود. میناب باید با یک برنامه بلندمدت و جامع، به یک مقصد مهم تاریخی و فرهنگی در سطح بین‌المللی تبدیل شود. باید از هم‌اکنون برای آینده برنامه‌ریزی کنیم تا میناب به یک پایگاه اندیشه‌ساز و فرهنگ‌ساز تبدیل شود و تاریخ، فرهنگ و اندیشه ایرانی را به نسل‌های آینده و مردم جهان معرفی کند.» رئیس بنیاد شهید پیشنهاد کرد عدد «۱۶۸» به‌عنوان یک نماد ملی برای میناب ثبت شود و در برنامه‌های فرهنگی کشور مورد توجه قرار بگیرد: «باید روی عدد ۱۶۸ به‌عنوان یک نماد فرهنگی کار کنیم و حتی پیشنهاد می‌کنم روز ۱۶۸ هر سال به‌عنوان «روز میناب» در تقویم فرهنگی کشور ثبت شود.»

تأکید بر تکمیل پروژه‌های در دست اقدام بنیاد شهید

تکمیل پروژه‌های در دست ساخت از دیگر اقدامات مهم بنیاد شهید در دوران پساجنگ است. معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در برنامه سفر خود به بندرعباس، از مرکز فرهنگی، ورزشی و توانبخشی ایثار بندرعباس بازدید کرد و در جریان روند تکمیل آن قرار گرفت. موسوی، در این بازدید گفت: «منابع و تأمین تجهیزات باید پیگیری شود تا در هفته دولت این مرکز فرهنگی، ورزشی و توانبخشی افتتاح شده و ایثارگران معزز بتوانند از خدمات آن بهره‌مند شوند.» موسوی تأکید کرد: «اجرای طرح‌های توسعه‌ای با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تجهیزات پیشرفته و نیروی انسانی متخصص، باید مدنظر قرار گیرد و برای اجرایی شدن آنها طبق برنامه زمانی تعیین شده برنامه‌ریزی لازم انجام شود.»

ثبت درخواست مشمولان ماده ۳۸ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران در سامانه «ایثار من»

ثبت الکترونیکی درخواست ماده (۳۸) قانون جامع خدمت‌رسانی به ایثارگران در سامانه «ایثار من» یکی دیگر از اقدامات بنیاد شهید در روزهای پس از جنگ رمضان است. در همین زمینه سید باقر سیدرضایی، مدیرکل پذیرش و امور اداری بنیاد شهید و امور ایثارگران اعلام کرد: «ایثارگران مشمول این قانون نیازی به مراجعه حضوری به بنیاد ندارند و می‌توانند درخواست خود را از طریق سامانه «ایثارمن» ثبت و پیگیری کنند.» او با اشاره به ماده ۳۸ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران گفت: «حقوق و مزایای پرسنل وظیفه و نیروهای داوطلب غیرشاغل در دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون که به صورت بسیج مردمی از سوی مراجع ذی صلاح نظیر نیروی مقاومت بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش، کمیته امداد امام خمینی(ره)، جهاد سازندگی و سازمان تبلیغات اسلامی ایران به جبهه اعزام و به دلیل حضور در جبهه یا بر اثر ترور، شهید مفقودالاثر، جانباز از کار افتاده کلی و آزاده از کار افتاده کلی شده‌اند طبق مقررات هم‌تراز کادر نیروهای مسلح تعیین و توسط بنیاد پرداخت خواهد شد.»

تمدید اعتبار کارت ایثارگری تا سال ۱۴۰۷

یکی دیگر از اقدامات مهم بنیاد شهید در این دوره تمدید اعتبار کارت ایثارگری است. سید باقر سید رضایی، مدیرکل پذیرش و امور اداری بنیاد شهید و امور ایثارگران هدف از این اقدام را تسریع و تسهیل در ارائه خدمات، ایجاد وحدت رویه و جلوگیری از مکاتبات غیرضروری اعلام کرده است. بر اساس پیشنهاد بنیاد شهید، دستگاه‌های مختلف ملزم می‌شوند تا با ایجاد زیرساخت‌های لازم، خدمات بانکی، خدمات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و خدمات شهرداری‌ها را از طریق این کارت ارائه بدهند. این کارت قابلیت ارائه خدمات مذکور را دارد، مشروط به آنکه دستگاه‌های اجرایی زیرساخت‌های مورد نیاز را فراهم کنند. این کارت هوشمند ملی، با تلاش‌های انجام‌شده، از سال ۱۳۹۷ در اختیار ایثارگران و منسوبین آنان قرار گرفته است. کارت مذکور برای سه گروه شامل خانواده شهدا، جانبازان (کارت ویژه جانبازان) و آزادگان (کارت ویژه آزادگان) صادر می‌شود.

ابلاغ پرداخت حقوق خانواده شهدای جنگ رمضان

برقراری حقوق ثابت برای شهدای جنگ یکی دیگر از اقدامات بنیاد شهید بود. محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور نامه هیأت وزیران درباره برقراری حقوق شهدای جنایات تجاوزات آمریکایی-صهیونیستی و همچنین والدین شهدای مذکور را به دستگاه‌های اجرایی از جمله ستاد کل نیروهای مسلح، بنیاد شهید و سازمان برنامه و بودجه ابلاغ کرد. بر اساس این بخشنامه، بنیاد شهید و امور ایثارگران مکلف به آغاز پوشش بیمه تکمیلی درمان خانواده شهدا، جانبازان و افراد تحت تکفل قانونی آنهاست. همچنین بنیاد شهید و ستاد کل نیروهای مسلح نیز مکلف به پرداخت هزینه کفن و دفن و برگزاری مراسم شهدای جنگ رمضان معادل ۲۰۰ میلیون تومان به ازای هر شهید شده‌اند.

• دیدگاه •

نگاه جامعه‌شناختی درباره انسجام ملی در روزهای جنگ تحمیلی

وقتی مرز بین شهروند و رزمنده کمرنگ شد

مرجان قندی
گروه اجتماعی

بسیاری از تحلیلگران تصور می‌کردند هدف قرار دادن مناطق مسکونی و غیرنظامیان، با ایجاد فضای رعب و هراس، می‌تواند شیرازه جامعه را از هم بپاشد و اراده جمعی را به عقب‌نشینی وادارد. اما تجربه زیسته مردم ایران در جریان وقایع اخیر نشان داد که این معادله بدبینانه در عمل، نتیجه‌ای معکوس داشته است. در روزهایی که مرز میان شهروند و رزمنده در میدان خطر کمرنگ شد، نوعی همبستگی از دل بحران جوشید که با به حاشیه بردن گسل‌های اجتماعی، سرنوشت مشترک را به قوی‌ترین عنصر انسجام ملی تبدیل کرد.

مصطفی آب‌روشن، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با «ایران» درباره اینکه چگونه تهدیدهای بیرونی به فرصتی برای بازتعریف ارزش‌های جمعی، تقویت ایثار و نمایش کم‌نظیر وحدت ملی تبدیل شده است، می‌گوید: «از منظر جامعه‌شناسی، جنگ و چنین حملاتی معمولاً با هدف ایجاد هراس و تضعیف اراده عمومی طراحی می‌شوند. طراحان این راهبردها گمان می‌کنند با گسترش ترس، مردم مسئولیت ادامه یا توقف جنگ را متوجه حاکمیت می‌دانند و خواستار عقب‌نشینی خواهند شد. اما در تجربه جنگ رمضان، این محاسبه نتیجه‌ای معکوس به بار آورد؛ چراکه وقتی خشونت، مرز میان نظامی و غیرنظامی را از میان برمی‌دارد و خانه، مدرسه، بیمارستان و محله را در معرض خطر قرار می‌دهد، احساس تهدید مشترک جایگزین ترس فردی می‌شود.»

او توضیح می‌دهد: «در این وضعیت، جامعه جنگ را مسأله گروهی خاص نمی‌بیند، در حقیقت آن را تعرضی به امنیت، موجودیت و کرامت جمعی خود تلقی می‌کند. هدف قرار گرفتن غیرنظامیان همچنین از منظر اخلاقی، مشروعیت عامل حمله را در نگاه شهروندان تضعیف و نوعی خشم اخلاقی ایجاد می‌کند؛ خشمی که می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی و همیاری میان مردم منجر شود.»

به گفته آب‌روشن، بسیاری از افراد نه از سر علاقه به جنگ، بلکه با انگیزه دفاع از خانواده، خانه و هویت جمعی خود وارد عرصه کمک‌رسانی، پشتیبانی و مشارکت می‌شوند.

از این منظر، راهبرد مبتنی بر ایجاد هراس می‌تواند به جای انفعال جامعه، سرمایه اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و انسجام ملی را تقویت و راهبرد مبتنی بر ایجاد وحشت را به شکستی اجتماعی و سیاسی برای آمریکا تبدیل کند.

این جامعه‌شناس درباره تغییر ارزش‌های فردی در مواجهه با بحران‌های فراگیر می‌گوید: «در شرایط عادی، افراد بر اساس منافع شخصی، امنیت خانواده و حفظ جان خود تصمیم می‌گیرند؛ اما با وقوع بحران، بویژه زمانی که زنان، کودکان، سالمندان و دیگر شهروندان عادی در معرض آسیب هستند، سلسله‌مراتب ارزش‌ها متفاوت می‌شود. در چنین شرایطی، امنیت فردی دیگر از مسیر انزوا و عقب‌نشینی قابل دستیابی نیست و دفاع از جامعه، به پیش‌شرط دفاع از خانواده تبدیل می‌شود.»

آب روشن معتقد است؛ در این فضا ارزش‌هایی مانند همبستگی، مسئولیت اجتماعی، ایثار و مشارکت جایگاه برجسته‌تری پیدا می‌کنند. او می‌گوید: «این تحول فقط محصول تبلیغات نیست، بلکه از تجربه زیسته خشونت و ادراک خطر مشترک ناشی می‌شود. هرچه تهدید فراگیرتر باشد، امکان شکل‌گیری هویت جمعی هم بیشتر می‌شود؛ چون مردم احساس می‌کنند همه اعضای جامعه، فارغ از تفاوت‌های فردی و اجتماعی، در برابر یک خطر مشترک قرار دارند.» این جامعه‌شناس توضیح می‌دهد: «حمله به غیرنظامیان می‌تواند مرزهای طبقاتی، قومی و حتی بخشی از اختلافات سیاسی را به حاشیه براند و این پیام را منتقل کند که امنیت هیچ گروهی جدا از امنیت دیگران نیست. در چنین موقعیتی، برخی شهروندان حاضر می‌شوند بخشی از منافع فردی خود را برای حفظ جامعه کنار بگذارند؛ چراکه بقای فرد را وابسته به بقای جمع می‌بینند. از این منظر، ایثار به معنای نفی ارزش خانواده نیست، در حقیقت تلاشی برای حفظ آینده خانواده در چارچوب امنیت و موجودیت جامعه به شمار می‌آید.»

آب‌روشن همچنین با اشاره به مفهوم سرنوشت مشترک توضیح می‌دهد: «یکی از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی آسیب دیدن غیرنظامیان، شکل‌گیری این احساس است که رنج یک گروه، به تجربه‌ای عمومی تبدیل شده است. وقتی قربانیان فقط به یک قشر محدود نمی‌شوند و کودکان، زنان، کارگران، دانشجویان، معلمان، پزشکان و دیگر گروه‌های اجتماعی هم در معرض آسیب قرار می‌گیرند، رنج از حالت فردی یا گروهی خارج و به مسأله‌ای مشترک برای جامعه تبدیل می‌شود.»

او می‌گوید: «همین تجربه مشترک می‌تواند مرزهای اجتماعی را تا حدی کمرنگ کند و زمینه همدلی میان گروه‌هایی را فراهم آورد که پیش از بحران، اختلافاتی داشته‌اند. از منظر جامعه‌شناسی، هرچه تهدید بیرونی فراگیرتر باشد، احتمال افزایش همبستگی درون جامعه هم بیشتر می‌شود.»

این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه چنین همبستگی لزوماً همه شکاف‌های اجتماعی را به‌طور دائمی از میان نمی‌برد، می‌گوید: «بسیاری از این گسل‌ها ریشه‌های ساختاری دارند. با این حال، در دوره شرایط خاص و به خصوص جنگ، احساس خطر مشترک می‌تواند به‌طور موقت از شدت این شکاف‌ها بکاهد و زمینه همکاری، اعتماد متقابل و مسئولیت‌پذیری جمعی را افزایش دهد.»

به گفته آب‌روشن، آسیب دیدن مردم عادی یادآور این واقعیت است که خشونت جنگ میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه مرز مشخصی نمی‌شناسد و همین موضوع، حس مسئولیت مشترک و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند.

آب‌روشن درباره میراث و حافظه جمعی حاصل از این دوران می‌گوید: «از منظر جامعه‌شناسی حافظه، جنگ فقط یک رویداد نظامی نیست و به مرور به بخشی از حافظه جمعی یک ملت تبدیل می‌شود. تجربه مقاومت غیرنظامیان در برابر حملات به مناطق مسکونی، در قالب روایت‌های خانوادگی، خاطرات بازماندگان، آثار هنری، ادبیات، فیلم، آیین‌های یادبود و آموزش‌های عمومی به نسل‌های بعد منتقل می‌شود و بخشی از هویت تاریخی جامعه را شکل می‌دهد.»

درک سرنوشت مشترک

این جامعه‌شناس درباره اصلی‌ترین متغیر جامعه‌شناختی که در چنین شرایطی مانع از فروپاشی روانی جامعه شده و انسجام ملی را حفظ می‌کند، می‌گوید: «اگر بخواهم فقط یک متغیر کلیدی را نام ببرم، آن متغیر احساس سرنوشت مشترک است؛ مفهومی که جامعه‌شناسان آن را یکی از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌گیری همبستگی اجتماعی در شرایط بحران می‌دانند.»

به گفته او، «زمانی که در جریان حملات، میان رزمنده و شهروند عادی تفاوتی قائل نمی‌شود و مراکز غیرنظامی آسیب می‌بینند، پیام روشنی به جامعه مخابره می‌شود مبنی بر اینکه همه اعضا در معرض یک تهدید واحد قرار دارند.»

آب‌روشن در توضیح این فرآیند می‌گوید: «در چنین وضعیتی، افراد به‌تدریج از منطق نجات فردی فاصله گرفته و به منطق بقای جمعی نزدیک می‌شوند، چون درمی‌یابند که امنیت شخصی بدون امنیت جامعه امکانپذیر نیست. حمله به غیرنظامیان که می‌توانست موجب هراس یا انفعال شود، در عمل احساس همدردی، مسئولیت مشترک و مشارکت اجتماعی را تقویت کرد.»

این جامعه‌شناس فرمول این تجربه را خلاصه می‌کند و می‌گوید: «هرگاه تهدید بیرونی، همه اعضای جامعه را به طور برابر هدف قرار دهد، احتمال شکل‌گیری هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و مقاومت جمعی افزایش می‌یابد.»

از تهدید بیرونی تا همگرایی درونی

نادر صادقیان، جامعه‌شناس معتقد است: «در شرایطی که جان غیرنظامیان و امنیت عمومی هدف قرار می‌گیرد، جامعه به طور طبیعی به سمت دفاع جمعی حرکت می‌کند و بسیاری از مرزها و شکاف‌های اجتماعی کمرنگ می‌شود. اما این همبستگی زمانی ماندگار خواهد بود که با اعتمادسازی، مشارکت اجتماعی و کاهش فشارهای داخلی همراه شود.»

صادقیان با اشاره به اثرات اجتماعی و روانی حملات نظامی آمریکا و دشمن صهیونی به غیرنظامیان می‌گوید: «نخستین واکنش هر انسانی، صیانت از خویشتن و دفاع از بقاست. همان‌طور که در سطح فردی، غریزه حفظ جان یکی از بنیادی‌ترین غرایز بشر است، در سطح جامعه هم هنگامی که موجودیت جمعی در معرض تهدید قرار می‌گیرد، این حس دفاعی به شکل جمعی فعال می‌شود.» صادقیان معتقد است: «در چنین موقعیتی، مسأله اصلی برای بخش بزرگی از جامعه، دفاع از جان، امنیت و کرامت جمعی است و همین موضوع می‌تواند زمینه‌ساز نوعی همگرایی و انسجام ملی شود.»

این جامعه‌شناس به نقش واکنش‌های عاطفی و روانی جمعی در زمان حمله به غیرنظامیان اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی مردم احساس کنند امنیت عمومی، جان شهروندان و موجودیت ملی در معرض تهدید قرار گرفته، نوعی واکنش جمعی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، حتی گروه‌هایی که ممکن است پیش از آن با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند، حول یک دغدغه مشترک یعنی دفاع از جامعه و حفظ امنیت عمومی به هم نزدیک شوند.»

به گفته صادقیان، «شهادت یا آسیب دیدن مردم غیرنظامی، جامعه را با یک تجربه عاطفی مشترک روبه‌رو می‌کند؛ تجربه‌ای که می‌تواند احساس همدردی، خشم اخلاقی و ضرورت دفاع جمعی را تقویت کند. این وضعیت، مرزهای اجتماعی پیشین را موقتاً عقب می‌زند و نوعی «ما» جمعی را در برابر تهدید بیرونی برجسته می‌کند. در این حالت، جامعه بیش از آنکه بر تفاوت‌های داخلی متمرکز شود، بر آسیب مشترک و سرنوشت مشترک تأکید می‌کند.»

با این حال، صادقیان تأکید می‌کند، «تقویت انسجام ملی فقط با اشاره به تهدید بیرونی ممکن نیست و نیاز به همدلی، همراهی و همبستگی اجتماعی بیشتری دارد.»

به گفته این جامعه‌شناس، «افزایش رضایتمندی عمومی یکی از مؤلفه‌های مهم در تقویت همبستگی اجتماعی است.»

صادقیان با اشاره به برخی عوامل تضعیف‌کننده همبستگی اجتماعی می‌گوید: «مولفه های موثر در این موضوع باید شناسایی و کاهش داده شوند. تورم، گرانی، فساد، ناامیدی و سرخوردگی ازجمله عواملی هستند که انگیزه مشارکت اجتماعی را کاهش می‌دهند و به مرور می‌توانند اعتماد عمومی را تضعیف کنند. اما اگر این موانع داخلی کاهش پیدا کنند و فضا برای مشارکت اجتماعی بازتر شود، امکان افزایش همکاری، اعتماد و همگرایی عمومی هم بیشتر خواهد شد.»

صادقیان می‌گوید: « بخشی از موانع همبستگی اجتماعی، داخلی است و برای تقویت انسجام ملی باید این موانع را هم جدی گرفت.»

آب‌روشن: حمله به غیرنظامیان می‌تواند مرزهای طبقاتی، قومی و حتی بخشی از اختلافات سیاسی را به حاشیه براند و این پیام را منتقل کند که امنیت هیچ گروهی جدا از امنیت دیگران نیست

صادقیان: شهادت یا آسیب دیدن مردم غیرنظامی، جامعه را با یک تجربه عاطفی مشترک روبه‌رو می‌کند؛ تجربه‌ای که می‌تواند احساس همدردی، خشم اخلاقی و ضرورت دفاع جمعی را تقویت کند. این وضعیت، مرزهای اجتماعی پیشین را موقتاً عقب می‌زند و نوعی «ما» جمعی را در برابر تهدید بیرونی برجسته می‌کند